

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید که بحث ما، مبحث مهم اجزاست؛ در روزهای گذشته ما مطالبی را در مورد بحث اجزا گفتیم؛ در مورد منزلت این بحث، ساحت های (اضطرار، جهل، جانشینی یک پدیده به جای پدیده دیگر و...) این بحث، مطالبی را عرض کردیم. یکی از بحث هایی که من مناسب می دانم مطرح بکنم خود بحث اجزاست؛ البته کفایه، برخی از واژه ها، مانند علی وجهه یا یقتضی را معنا کرده است اما به نظر ما این ها لازم نیست فقط واژه ای که لازم است بدانیم مفهوم اجزا است؛ در اصول فقه و فقه برای این واژه مصطلح خاصی وجود ندارد؛ در اصول فقه و فقه اجزا به مانند معنای لغویش می باشد؛ اجزا در لغت به معنای کفایت است وقتی می گویند کار شما مجزی است یعنی کافی است. در بحث ما اجزا به معنای سقوط ادا در وقت و سقوط قضا در خارج وقت است. اگر مثلاً می گوئیم نماز اول وقت با تیمم کافی است ولو آخر وقت عذرش بر طرف شود و... یعنی چنین نمازی اداء یا قضا ندارد.

بحث دوم: مبانی بحث

کار خوبی که امروزی ها در روش تحقیق و پژوهش دارند این است که مبانی بحث را در ابتدا توضیح می دهند مثلاً در پایان نامه ها با عنوان مفاهیم و کلیات ذکر می کنند. قدیمی ها به این مباحث شکلی اهمیت نمی دادند اما امروزی ها در پژوهش بسیار اهمیت می دهند از این رو شما نیز به این روش، در پژوهش اهمیت دهید.

یکی از مبانی بحث را، ما در جلسات قبل بیان کردیم و آن مبنا این بود که نگاه فقیه، گفتمان فقیه در بحث اجزا یا عدم اجزا موثر است. مثلاً برخی ها تعریفی از دین دارند (فرمایش پیامبر ان الشریعة سهلة و سمحة یا نفی عسر یا قاعده یسر و...) که نمی توانند قائل به عدم اجزا بشوند؛ مثلاً به کسی که 80 سال نماز خوانده است نمی گویند نمازهایت را قضا کن. جالب است در باب خمس، برخی از آقایان در گذشته فتاوی عجیبی داشتند مثلاً وقتی کسی به آقا می گفت از خمس مقداری را برگردان یا ببخش و... ناراحت می شدند و می گفتند برو و... اما برخی نگاه بازتری دارند و مقداری از خمس را به پرداخت کننده خمس برمی گردانند. این ها به نگاه فقیه برمی گردد. و نگاه فقیه در برداشت از ادله بسیار موثر است. مرحوم امام خمینی یک فتوا داشت به این مضمون: اگر کسی خانه اش را فروخت و بلافاصله خواست خانه بخرد در حالی که به خانه نیاز دارد و... به محض فروش خانه باید خمسش را بدهد.

مبنای که امروز می خواهیم بیان کنیم این است: آیا فکر کرده اید که احکام اضطراری (در مقابل احکام اختیاری) چه ماهیتی دارد؟ آیا فکر کرده اید تقیه، اگر چه مصداق احکام اضطراری اند چه ماهیتی دارند؛ کسی آب ندارد و تیمم می کند تیمم حکم اضطراری است، اگر کسی به اجبار روی فرش سجده کند (از باب تقیه) و..

اگر شما از کلاس خارج شوید و از اساتید سوال کنید احکام اضطراری چه ماهیتی دارند به نظر شما چه پاسخی می دهند؟ می گویند احکام اضطراری احکامی هستند در طول احکام اختیاری، جانشین احکام اختیاری برای اشخاص خاصی، و در اینکه آیا کفایت از احکام اختیاری می کند یا نه جای بحث و گفتگو دارد. (این ذهنیت مشهور و مرحوم آخوند است) بر همین اساس (براساس همین گفتمان) مرحوم آخوند فرموده اند: اگر ادله احکام اضطراری اطلاق داشت اطلاقش اخذ می شود و اگر اطلاق نداشت و شک کردیم برائت جاری می کنیم.

مثلاً: کسی به دلیل نبود آب تیمم کرد بعد هم عذرش در وقت یا خارج از وقت برطرف شد آیا باید نماز را دوباره بخواند یا نه؟ مرحوم آخوند می فرماید: فقیه باید ادله تیمم را بنگرد اگر آیه اطلاق دارد فلم تجدوا ماء فتیمموا صعباً طیباً... (دقت کنید آیه را

مرحوم آخوند اشتباه نقل می کنند). که به اطلاق تمسک می کند آیه مطلقاً دستور به تیمم می دهد و بعدش هم نمی گوید اگر آب پیدا کردید ادا یا قضا کنید از این رو اطلاق گیری می کنند؛ اما اگر شک کند مثلاً کسی با تیمم نماز خوانده است بعد از دو ساعت که آب پیدا کرده شک در تکلیف می کند شک می کند که آیا باید دوباره بخواند یا نه؟ از آنجا که این شک، شک در تکلیف است برائت جاری می شود.

استاد: به نظر ما اطلاق لفظی مشکل است مگر اینکه به سراغ اطلاق مقامی برویم.

مرحوم بروجردی: ایشان یا از باب توارد خاطرین بوده است و یا از مرحوم محقق در معتبر این نظر را گرفته است. البته خود ایشان از محقق یاد می کند. البته این مطلب را آقا رضا همدانی هم دارد.

ایشان خدمت استاد خودش، مرحوم آخوند عرض می کنند: آقای آخوند این چه تفسیری است که شما و دیگران از احکام اضطراری دارید؟ این برداشت شما درست نیست؛ اینکه شما فکر کنید هر انسانی دو تکلیف در طول هم دارد درست نیست. اینکه اقیموا الصلاة دلالت بر دو حکم بکند اختیاری و اضطراری درست نیست. ایشان می فرماید: ما اصلاً دو حکم طولی نداریم که یکی را واقعی اولی بنامیم و دیگری را واقعی ثانوی و... ما اصلاً بحث بدلیت نداریم... ایشان می فرماید: من صحنه را ترسیم می کنم: در نماز ما یک اقیموا الصلاة داریم که امر به ایجاد طبیعت می کند. موضوع اقیموا الصلاة انسان ها هستند. و خوب حکم است، اقامه می شود متعلق، صلاة می شود موضوع البته به خود مکلف هم موضوع می گویند. در این صورت به مکلفان خطاب می شود مکلفان در خارج تقسیماتی دارند: مکلف سالمی که آب دارد، مکلف سالمی که آب ندارد، مکلف مریض از قیام، مکلف قادر بر قیام، مکلف قادر بر تکلم، مکلف عاجز از تکلم و... هر کدام از این ها حکم خودشان را دارند.

طبق آیه قران: فان لم تجدوا ماءً... ما یک انسان های واجد الماء داریم و یک انسان های فاقد الماء، هر کدام از این ها نیز حکم خودشان را دارند چطور شما می گوید حکم اولی و ثانوی و...؟! از اول ما دو نوع مکلف داریم، واجد الماء حکم خودش را دارد و فاقد الماء هم حکم خودش را دارد. شما چطور می گوید دو حکم وجود دارد چطور می گوید حکم اولی و ثانوی؟ شخص قائم یک حکم در نماز دارد شخص مستلقی یک حکم دارد؛ شخص قادر بر تکلم یک حکم دارد شخص اخص یک حکم دارد و...

استاد: اگر این حرف را بپذیریم خیلی از چیزها به هم می خورد مثلاً بدلیت دیگر معنا نخواهد داشت. اصلاً بحث اجزا معنا پیدا نخواهد کرد. در بحث اجزا شما می گوید اجزا امر اضطراری از امر اختیاری و... فاقد الماء که اصلاً دستور به نماز با وضو نداشت که بگوید فاقد الماء عملش را دوباره با وضو انجام دهد و...

اگر این مبنا را بپذیرید باید تا آخر عمر دقت کنید که هیچ گاه از تعبیر بدلیت استفاده نکنید،

یکی از آقایان رفته و بسیاری از فتاوی آقای بروجردی را پیدا کرده است آن هم در زمان خود آقای بروجردی، انصافاً کارش جای تحسین دارد چرا که در زمان های گذشته تتبع بسیار سخت بود. گاهی برای یک حدیث، طلبه کل بحار را ورق می زد؛ اما الان با یک کلید واژه سریع مطالب پیدا می شود قدر این نعمت را بدانید. البته فضای مجازی آسیب های نیز به دنبال دارد مثلاً خدای نکرده انسان را در غیبت و تهمت و... فرو می برد. من و شما اگر یک جا بنشینیم و ببینیم غیبت می کنند بر می خیزیم و می گوئیم المستمع الغیبة احد المغتائبین و... ولی در گوشی به این نکات توجه نمی کنیم. البته سازنده اپلیکیشن ها خودش رعایت کرده لذا وقتی فیلمی برای شما می آید باز نیست و خود شما باز می کنید.

این شخص رفته فتاوی آقای بروجردی را پیدا کرده و می گوید شما تعبیر به بدلیت در فتاوی خود کرده اید.

اگر کسی اول وقت با تیمم نماز خواند و عذرش در وسط وقت برطرف شد و ما گفتیم دوباره باید نماز بخواند چون عذرش مستوعب نبوده است و... اینجا اجزا معنا پیدا میکند. اما آقای بروجردی در این فرض هم می فرماید: اسم این را اجزا نگذارید این شخص از ابتدا هم نباید نماز می خواند (کسانی که بدار را جایز نمی دانند و... از این باب نیست که نماز اضطراری را مجزی از نماز اختیاری نمی دانند بلکه از این باب است که از ابتدا نماز خواندن برای چنین شخصی جایز نبوده است بلکه چنین شخصی وظیفه اش این بوده که صبر کند و نماز با وضو بخواند لذا اقدام چنین شخصی در اول وقت لغو بوده است).

آقای بروجردی در احکام اضطراری بسیار بحث کرده اند اما احکام ظاهری نیز همین طور است. مثلاً شخص اگر با استصحاب (بنابر اینکه استصحاب جعل حکم مماثل باشد) کاری را انجام بدهد آیا این جانشین واقع می شود یا نه؟ اگر فهمیدید

لباس شما نجس بوده آیا کفایت می کند یا نه؟ اگر فهمیدید قبله اشتباه بوده آیا نمازتان کفایت می کند یا نه؟ این موارد اضطرار نیست اما کلام آقای بروجردی در این موارد هم می تواند راه پیدا کند البته نیاز به بومی سازی دارد.

الحمد لله رب العالمين